

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

آل سعود
از صعود تا سقوط

پایگاه تبیینی
و تحلیلی جریان شناسی
www.Didban.ir



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع
رسانی بوده و نقل از آن با ذکر
منبع مجاز می باشد.

الجمهورية
البحرينية

A stylized calligraphic logo in black, featuring a central horizontal stroke with decorative flourishes at both ends. Above the left flourish, the words 'الجمهورية' and 'البحرينية' are written in white Arabic script. A vertical dashed white line extends from the top of the page down to the top of the logo.

آل سعود از صعود تا سقوط

سرباز تأمین نمایند و این ائتلاف تا کنون تداوم یافته است گویی که عقد این دو در آسمان‌ها بسته شده است [۱]

نفت این ماده سیاه بد بو یا همان طلای سیاه موجب شد که عربستان سعودی که تا چندی قبل از جنگ جهانی دوم برای محافل استکباری ارزش آن را نداشت که حتی در تقسیم‌بندی‌های



آل سعود کیست؟

دیدبان: عربستان سعودی تنها از سال ۱۹۳۲ میلادی زمانی که عبدالعزیز بن سعود بخش اعظم شبه جزیره عربی را تحت کنترل خود در آورد به عنوان یک دولت رسمی پا به صحنه بین الملل گذاشت. وی نام قبیله خود را بر این سرزمین گذاشت و خود را پادشاه آنجا معرفی کرد. اما خاندان سعود قبل از آن، در قرن هجدهم بخش‌هایی از شبه جزیره را تحت کنترل خود داشتند، و آن زمانی بود که محمد بن عبدالوهاب روحانی تندرو و بنیان‌گذار فرقه وهابیت وارد «درعیه» - نزدیک ریاض کنونی - شد و با حاکم وقت این منطقه یعنی محمد بن سعود به توافق رسید. قرار شد خاندان سعودی فرماندهان و وهابی‌ها

سیاسی بگنجد، در کانون توجه تمامی کشورهای صنعتی و غیرصنعتی قرار گیرد و در معادلات اقتصادی به عنوان کشور «ثروتمند سردگردان» از آن یاد شود. غربی‌ها اهمیت فوق العاده‌ای برای نفت قائل هستند، چرا که نفت یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد آنان محسوب می‌شود. به همین خاطر اهمیت زیادی به نظام حکومتی عربستان می‌دهند و از آن به منظور تداوم منافع و نفوذ خود حمایت می‌کنند.

رونالد ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید در اکتبر سال ۱۹۸۱ گفت: «آمریکا هرگز اجازه نخواهد داد تا پادشاهی آل

هر منطقه به یک شاهزاده اعطا و بین اعضای این خانواده تقسیم شده است. همچنین تمامی پست‌های حساس در ارتش تحت کنترل شاهزادگان است. آنها همگی همانند نمایندگان استالین بر کشور حکومت می‌کنند. [۳]

عربستان سعودی، ثروتمندترین خاندان جهان را در خود جای داده است، و این کشور بر اساس نام همین خانواده نام گذاری شده است. اما این خاندان اصل و نسب ریشه‌داری ندارند. در حقیقت، خاندان پادشاهی سعودی در گذشته جزو خانواده‌های فقیر بوده‌اند اما اکنون ثروت بی‌شماری را از نفت بدست آورده‌اند. این خاندان ثروتمند این پول‌ها را به هر نحو که بخواهند خرج می‌کنند و مسئولیتی در قبال مردم درباره چگونگی استفاده از این پول‌ها ندارند و

سعود از اردوگاه غربی خارج شود... لازم است تاواشنگتن از امروز نوع نظامی را که باید بر این کشور حاکم باشد و نوع دولتی را که باید بر سر کار بیاید، مشخص نماید.»

آل سعود در دو راهی وهابیت یا لیبرال دموکراسی غرب خاندان سعودی بر سیستم سیاسی عربستان تسلط داشته و اعضای این خاندان عمده‌ی پست‌های کلیدی و مهم این کشور را در انحصار خود دارند. تعداد اعضای این خاندان در حدود ۷ هزار نفر تخمین زده می‌شود و بیشترین قدرت و تاثیر گذاری در اختیار حدود ۲۰۰ نفر که عمدتاً نیز از نوادگان ملک عبدالعزیز هستند، قرار دارد. [۲] مراکز تجاری جده و دیگر شهرهای عربستان متعلق به این خانواده سلطنتی است و فرزندان این خانواده سلطنتی



و نزدیکانشان ریاست ۵۲۰ شرکت عربستانی را برعهده دارند. در ریاض، پایتخت عربستان فرزندان این خانواده سلطنتی تمامی پست‌های اصلی در دولت را از جمله پست وزارت دفاع، کشور، سازمان اطلاعات و دیگر پست‌های وزارتی را برعهده گرفته‌اند و

پاسخگوی آن‌ها نیستند. [۴]

این ثروت، تعارضات زیادی در میان خاندان سعودی ایجاد کرده است. آل سعود از مذهبی پیروی می‌کند که سخت‌گیرترین مذهب جهان است. برای خاندان سعودی دشوار است که با در اختیار داشتن چنین ثروت‌های هنگفتی بتوانند همچنان به این قواعد و هنجارهای خشک و سخت و هابیت پایبند بمانند. خاندان سعودی هم اکنون خود را بر سر یک دوراهی می‌بیند: آن‌ها یا باید از قواعد سخت و هابیت پیروی کنند یا به واسطه این ثروت‌های بر بادآورده، سبک زندگی غربی را که مبتنی بر آموزه‌های لیبرال دموکراسی است، در پیش گیرند. [۵] واقعیت نشان می‌دهد که آنان در عمل مسیر دوم را انتخاب کرده‌اند هر چند در ظاهر خود را پایبند به اصول و هابیت معرفی می‌کنند. با وجود اینکه عربستان سعودی سعی کرده است خود را از بقیه جهان دور نگه دارد، اما این عملی نیست، زیرا دارا بودن ذخایر غنی نفت این کشور را مجبور می‌کند تا با سایر کشورهای غربی بویژه آمریکا تعامل داشته باشد. همانگونه که این پول‌های نفت وارد عربستان می‌شود، ارزش‌ها و آداب و رسوم غربی نیز به همراه آن وارد کشور می‌شود. خاندان پادشاهی عربستان هم اکنون خود را میان این دو گانه که شیوه آزادانه‌تر سبک زندگی غربی را انتخاب کنند یا از اصول و قواعد سخت و هابیت پیروی کنند، گرفتار می‌بینند. در عین حال خاندان حاکم به لحاظ اینکه به یک جامعه سنتی و قبیله‌ای وابسته هستند،

نمی‌خواهند و نمی‌توانند به یکباره همه معیارهای زندگی اصیل خود را به فراموشی سپرده و پایبندی ظاهری خود به دین و دینداری را زیر پا گذارند. [۶]

فساد اخلاقی در خاندان سعودی

آل سعود به اسراف و فساد اخلاقی در داخل کشور و خارج از آن معروف است و ذخایر عظیم نفتی این کشور که گفته می‌شود یک چهارم ذخایر نفت در سطح جهان را تشکیل می‌دهد، به این مسأله دامن زده است. این خاندان تحت پوشش نهاد دینی و هابیت و فتاوی‌ای علمای درباری در داخل، انواع گوناگون فساد، اسراف و تبذیر را مرتکب می‌شوند. یک نویسنده عرب در این باره می‌نویسد: «در پشت پرده خاندان حاکم سعودی درباره امیر دزدان، امیر حشیش و امیر قمار و امیر سرکوب و غیره می‌شنویم، گویی که ما در برابر گروهی از دسته جات مافیا یا دسته جات جنایتکار سازمان یافته قرار داریم، نه خانواده‌ای که رهبری با ارزش‌ترین و مقدس‌ترین اماکن جهان را برعهده دارند» [۷] این در حالی است که رسانه‌های وابسته و نیز نهاد دینی تلاش می‌کند تا چهره‌ای به آل سعود ببخشد که آنان خادمان حرمین شریفین و حافظان اسلامی هستند که احکام آن در سرتاسر کشور پیاده می‌شود؛ تا جایی که حتی برخی لقب ائمه مسلمین را نیز به آنان می‌دهند. اما با افزایش آگاهی سیاسی نزد بسیاری از افراد ملت از یک سو و رسوایی فساد آل سعود

● جیمی کارتر و ملک فهد پادشاه سابق عربستان در حال نوشیدن شراب



حال آنکه مذهب وهابیت وی استعمال مشروبات را برای وی منع کرده است. [۹]

شرب تمامی مشروبات الکی به صورت کلی در عربستان ممنوع است اما «این تنها برای مردم است» اما امیران، خود آن را وارد کرده و مصرف می کنند و حتی به بازرگانان و مشتری هایشان هم می فروشند. این ممنوعیت شامل قهوه خانه ها، کافی شاپ ها و رستوران هایی که متعلق به امیر یا شاهزاده ای هست، نمی شود. البته چنین مشروباتی در برخی قهوه خانه های مردمی هم یافت می شود، همان جاهایی که به اجبار باید روزی پنج بار برای نماز بسته شوند در غیر این صورت با شلاق مأموران هیات امر به معروف و نهی از منکر روبه رو خواهند شد. پشت دیوارهای کاخ شاهزادگان سعودی شرب خمر و استعمال مواد مخدر موضوعی عادی است موضوعی که اگر یک شهروند عادی خارج از کاخ، مرتکب آن شود، با مرگ یا مجازات شدید روبرو می شود. شاهزادگان سعودی حشیش مصرف می کنند و عاشق کوکابین هستند هر چه

در جهان اسلام بنیان های این تبلیغات نادرست فروریخته و اکنون بسیاری از افراد در داخل عربستان از اقدامات غیر اخلاقی و فاسد پادشاهان و امیران آل سعود و به هدر دادن اموال بیت المال از سوی آنان سخن می گویند. [۸]

این نوشتار می کوشد تا به صورت اجمالی گوشه هایی از ابعاد فساد اخلاقی خاندان سعودی را به تصویر بکشد.

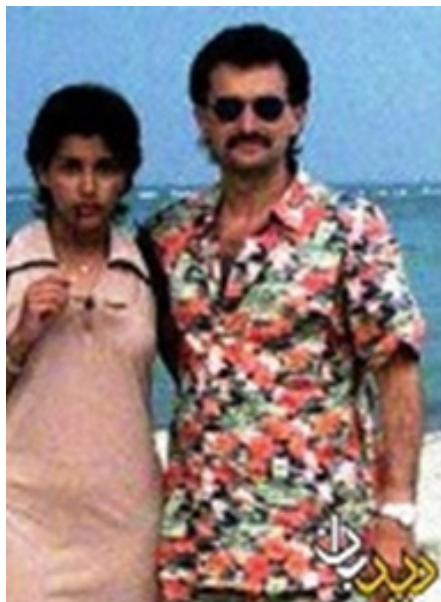
شرب خمر؛ جایی که پادشاه سعودی از چرچیل هم پیشی گرفتند

برخی معتقدند اساساً یکی از دلایلی که باعث شده خاندان سعودی به قدرت برسند و در قدرت بمانند، همین استفاده از مشروبات الکلی و نیز اعتیاد به مواد مخدر بوده است. طبق این نظر، همین نوشیدن شراب از سوی وینستون چرچیل وزیر خارجه انگلیس در جنگ جهانی دوم به همراه پادشاه سعودی در مصر، به ماجراجویی امپریالیستی انگلیس در سرزمین حرمین شریفین خاتمه داد. در این جلسه که فرانکلین روزولت هم حضور داشت، چرچیل گفت: «اگر این مذهب پادشاه سعودی است که وی را از سیگار و شراب منع می کند، من باید اعتراف کنم که زندگی من مقدس تر بوده است. به گونه ای که من تنها قبل و بعد و اگر نیاز باشد در بین وعده های غذا سیگار می کشم و یا شراب می نوشم» این کنایه ای بود به ملک عبدالعزیز که گویا شرب خمر را ترک نمی کرده است،

ملکه زیبایی سوریه «حسنا و فائی» خوشش می آید و علی رغم اینکه وی اعلام می دارد که متاهل است، تقاضای همخوابگی با وی را می دهد که با برخورد منفی این زن روبه رو می شود و درست به همین دلیل چند هفته بعد «وفائی» ناپدید و به طور مخفیانه به کاخ فهد در عربستان منتقل می شود. [۱۶]

حجاب

با نگاهی گذرا به وضعیت حجاب برخی دختران و زنان خاندان سعود به راحتی می توان فهمید که بیشتر آنان



ولید بن طلال و دخترش در سواحل فرانسه

حالی که ممکن است اگر کس دیگری غیر از خانواده سلطنتی این کار را بکند به خاطر آن باشدیدترین مجازات روبه رو و حتی کشته شود. این زن عربستانی می گوید که آنها کوکائین مصرف می کنند و عاشق حشیش هستند. [۱۳]

هتل های چند ستاره

اگر به هتل های موجود در کشور سری بزنیم، به این مسأله پی خواهیم برد که برخی از این هتل ها فساد را ترویج می کنند بویژه هتل های درجه یک به گونه ای که مشروبات بصورت مخفیانه فروخته می شود و فیلم های غیراخلاقی در آن یافت می شود. [۱۴]

تجاوز جنسی

در حقیقت تبعیض جنسیتی که در عربستان به نفع مردان وجود دارد، باعث شده است که دختران و زنان آل سعود با عقده حقارتی که برایشان ایجاد شده است، به انواع رذالت های اخلاقی مبادرت ورزند. به گونه ای که آن ها مثلا مردان را در خیابان ها می ربایند و افراد ربایش شده را به نزدیکی و همخوابگی با خود مجبور می کنند به همین خاطر «زنا» که آل سعود شهروند عادی را به اتهام ارتکاب آن سنگسار می کند، در میان زنان آل سعود و دختران آن به امر بسیاری معمولی تبدیل شده است. [۱۵] در همین راستا، در سال ۱۹۸۵ میلادی ملک فهد در شهر حلب از

به مسأله حجاب واقعی نمی‌نهند و به محض اینکه از کشور خارج می‌شوند، حجاب خود را کنار گذاشته و با مفتضح‌ترین لباس‌ها در مراسم‌ها و اماکن مختلف ظاهر می‌شوند. دولتمردان آل سعود، زنان خود را مجبور به پایبندی به احکام و اصول اسلامی و یا حتی وهابی نمی‌دانند و زنان و دختران خاندان حاکم آل سعود مجبور نیستند مانند دیگر زنان عربستان سعودی که اکثرشان صورت خود را با پوشیه (نقاب) می‌پوشانند، رفتار کنند؟! بی‌حجابی، برهنگی در مهمانی‌ها، تعدد زوجین در زنان و... از نمونه‌های کوچک بی‌بند و باری‌ها و فساد جنسی زنان و دختران وابسته به آل سعود می‌باشد

سوء استفاده جنسی از کارگران زن خارجی

دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۰۴ گزارشی از وضعیت کارگران خارجی بویژه آسیایی که در عربستان مشغول به کار هستند، منتشر کرد. این گزارش به وضعیت ۳۰۰ تن از زنان هندی، سریلانکایی و فیلیپینی که در بیمارستان‌های جده با شیفت‌های کاری ۱۲ ساعته در ۶ روز هفته به کار نظافت مشغول بودند و ۱۴ نفر از آنان در یک اتاق کوچک زندگی می‌کردند، پرداخت. در این گزارش آمده بود: برخی از کارگران زن که با آنان مصاحبه شده است از تجاوز و سوء استفاده‌های جنسی که از سوی مردان سعودی متحمل می‌شوند، شکایت کرده‌اند. [۱۷]

طبق تحقیقی که شورای نیروی انسانی عربستان - که وظیفه نظارت بر کارگران خارجی را برعهده دارد- انجام داده است در هر یک خانه از سه خانه در شهرهایی نظیر جده، ریاض و دمام و هر یک خانه از چهارخانه در شهرهای کوچکتری نظیر مکه، مدینه و جیل حداقل یک خدمتکار زن وجود دارد. این خدمتکارهای زن ارزان قیمت هستند - با حقوق ناچیزی که بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در ماه در نوسان است و این افراد بیمه، و یا مراقبت‌های پزشکی ندارند- و اینان عمده روز را در منازل کارفرمایان خود به سر می‌برند. کارفرمایان سعودی هر استفاده‌ای که بخواهند از این افراد به عمل می‌آورند و تا کنون موارد فراوانی از آزار و اذیت‌های جنسی، کتک کاری، شکنجه، تجاوز و سقط جنین اجباری و حتی خودکشی گزارش شده است. [۱۸]

خاندان سعودی نیز به هیچ وجه از حقوق این کارگران حمایت نکرده و به مثابه برده به آنان نگاه می‌کند. کارگران خارجی اکنون به این مسأله پی برده‌اند که اینک برای چندین دهه به آن‌ها گفته شده که جامعه عربستان جامعه‌ای امن، بی‌نقص و در نتیجه مدنی است، گرافه‌ای بیش نبوده است. به عنوان مثال کارگرانی که از سریلانکا به عنوان یکی از فاسدترین کشورهای جهان به عربستان آمده‌اند، معتقدند که فساد موجود در این کشور بیشتر از فساد است که در کشورهای خودشان وجود دارد. [۱۹]

امریکا در طول مراسم‌های مختلف رفته اند، با چشم خود دیده اند، سفارت خانه‌های رژیمی که شعارهای اسلامی سر می دهد، چگونه به محلی برای برگزاری رقص و نوشیدن شراب تبدیل شده است. [۲۲]

عدم مخالفت با سایت‌های پورنوگرافی

تعدادی از سایت های پورنو به طور ویژه در سال های اخیر گسترش یافته است، برخی از این سایت ها از سوی گروهی که مسئول فیلترینگ اینترنت هستند، بلوکه شده است اما نرم افزارهای فیلتر شکن در بازار به راحتی قابل خریداری است. حتی فیلم های پورنو بصورت آزادانه برای هر کسی که در خانه خود ماهواره دارد، در دسترس است. همچنین کارت های غیر قانونی در بازار سیاه با قیمتی در حدود ۲ دلار در سوپرمارکت ها به فروش می رسد که دسترسی نامحدود به این شبکه ها در اختیار افراد قرار می دهد. این بدان معناست که مقامات عربستان سعودی اغلب دسترسی های آسان و ارزانی در اختیار مردم بویژه جوانان جهت مشاهده سایت ها و شبکه های پورنوگراف در تمامی نقاط جهان قرار می دهد. البته این سیاست ها اسلام گرایان تندرو را که معتقدند ماهواره ها اخلاق جامعه را تنزل داده و با ترویج الگوهای غربی فرهنگ اسلامی را به انحطاط می کشانند، خشمگین نموده است. [۲۳]

برده دانستن خدمتکاران و رانندگان

خاندان سعودی خدمتکاران و رانندگان خود را پایین تر از انسان می دانند، که در کثافت و جهل به دنیا آمده اند و باید به خاطر اینکه فرصت خدمت به این خاندان نصیب شان شده است، خوشحال باشند. [۲۰] در سال ۱۹۷۹، دولت عربستان اعلام کرد که ۲۰۰ پرستار برای گارد ریاست جمهوری از بلژیک وارد کشور خواهد کرد. اما بعدها کاشف به عمل آمد که این تعداد نه پرستار بلکه روسپی های حرفه ای بودند که نزد پلیس بلژیک به ثبت رسیده بودند. [۲۱]

سفارت خانه های سعودی نزدیک فاحشه خانه ها

پس از انتقال سفارت عربستان در لندن به مقر جدیدش، روزنامه دیلی میل سال ۱۹۸۳ درباره این خبر گفت که کارمندان سفارت عربستان در مقر قدیمی سفارت احساس راحتی نمی کردند و قادر نبودند برخی اقدامات مشخص را انجام دهند لذا دولت سعودی تصمیم گرفت تا مقر جدیدی برای سفارت بخرد. این روزنامه ادامه می دهد این مقر جدید نزدیک منطقه «مای ویر» واقع شده و در کنار آن تعداد زیادی باشگاه های لهو و لعب و فساد و کلوپ های شبانه قرار دارد. کسانی که به مراکز سفارت های سعودی در خارج از کشور بویژه در اروپا و

●● روزنامه اسرائیلی «اسرائیل امروز» در گزارشی نوشت که امیر سلطام دخترش را به زن اسرائیلی‌اش باخت. این زن پس از حکم دادگاه، به طرز مشکوکی به قتل رسید.



عدم مخالفت با نشر فحشاء

اگر شما یک کتاب دینی آگاهی بخش، یا نوار یک جلسه سخنرانی دینی یا اجتماعی هدفمند یا حتی کتاب دعا یا قرآن را بخواهی وارد کشور بکنی، به این دلیل که ممکن است تحریف شده باشد، تحت پیگرد قرار می‌گیری، و اگر کسی هنگام ورود به کشور این موارد را در کنار خود داشته باشد، به اتهام

اخلال‌گری، افراط‌گری و به خطر انداختن امنیت کشور دستگیر می‌شود. اما اگر شما یک مجله روسپی‌گری، یا نوار و سی دی شامل فیلم‌های مبتذل یا کاست‌های موسیقی مفتضح با خود داشته باشید، در فرودگاه‌های آل سعود بابت این کار تشویق هم خواهید شد (بوئزه اگر این مجلات از آمریکا وارد شده باشد زیرا این خاندان شیفته آمریکا هستند) هر مجله‌ای که بخواهد موقعیت آل سعود در امور دینی یا سیاسی را به خطر بیندازد، با تیغ تیز نظارت روبه رو خواهد شد اما تبلیغات برای فحشاء و دعوت به فساد و منکرات نه تنها ممنوع نیست بلکه بعضاً ترویج هم می‌شود. [۲۴]

ازدواج دائم با غیرمسلمانان

ملک فهد زمانی که وزیر کشور بود، تصمیمی صادر کرد که طبق آن هیچ شهروندی حق نداشت با هیچ فرد خارجی - حتی عربی - ازدواج کند. اما امیران از شمول این قاعده مستثنی بودند. به گونه‌ای که اکثر همسران امراء از زنان خارجی هستند، حتی ظاهراً خود فهد با بیش از ۲۰۰۰ نفر از همین زنان خارجی بصورت غیر مشروع ازدواج کرده است. [۲۵] البته ازدواج با غیرمسلمانان موضوعی نیست که در میان خاندان شاهزادگان سعودی عجیب و غریب باشد، چون تاکنون شاهزادگان بسیاری با دختران و زنانی یهودی‌الصل ازدواج کرده‌اند. «الولید بن طلال» از جمله این شاهزادگان سعودی است که در سال ۱۹۹۰ میلادی با یک یهودی آمریکایی به نام «دبورا»

برخوردارند و از همان روز اول تولد این شاهزادگان هزینه‌های سنگینی صرف این مسائل می‌شود. کمترین حقوقی که بک شیرخواره در این خانواده سلطنتی می‌گیرد ۱۰ هزار دلار در ماه است. تعداد زیادی از این شاهزادگان



امیر لاما دختر فیصل آل سعود که با هفت‌تیر خودش را کشت.

به خاطر اینکه فرزندان این خانواده سلطنتی هستند، به غیر از حقوقشان از مزایای دیگری برخوردارند اما درآمدهای نفتی نیز به شیوه‌های دیگر به این خانواده سلطنتی می‌رسد به طوری که ملک فیصل تمامی زمین‌های عربستان را به نام فرزندان خود کرده بود. [۲۸] رفاه و ثروت بیش از حد یکی از عواملی است که باعث شیوع خودکشی در خاندان سعودی بویژه نوجوانان و جوانان شده است. زیرا با وقوع اندک مشکلات و رنج‌هایی، اعضای این خاندان اقدام به کشتن خود و یا دست کم تهدید به خودکشی می‌نمایند.

ازدواج کرد و در سال ۱۹۹۳ میلادی از او جدا شد تا در سال ۲۰۰۹ میلادی دوباره با وی ازدواج کند. الولید بن طلال از دوبرا دارای دو فرزند به نام‌های «نجم» و «مونا» است. همچنین می‌توان از شاهزاده «هیا» دختر «سلطام بن ناصر» نام برد که مادرش «کاندک کوهن» فرانسوی یهودی الاصل است و سه ماه پیش در شرایطی مبهم و مرموز در پاریس کشته شد. [۲۶]

قمار

مجله تایم آمریکا سال ۱۹۷۴ نوشت: سه نفر از امیران سعودی از جمله وزیر کشور وقت امیر «فهد بن عبدالعزیز» بیش از ۶ میلیون دلار خود را در سر میزهای قمار در کازینوی در مونت کارلو از دست دادند. این مجله افزود: امیران سعودی ماه گذشته نیز در حالی وارد پاریس شدند که تنها یک چیز در سر آن‌ها می‌گذشت «اما آماده‌ایم تا قمار کنیم» اما با یک سری شروط معین... اینکه ما مشخص کنیم که کازینو چه ساعتی تعطیل شود! نتیجه این شد که کازینوی که معمولاً ساعت ۲ بعد از نصف شب بسته می‌شد تا صبح به کار خود ادامه داد و امرای سعودی با مبالغ هنگفت به قمار پرداختند و «ویسکی‌ها» را با ولع خوردند. [۲۷]

خودکشی

شاهزادگان سعودی از زمان تولد از خدمات مجانی تلفن و خدمات دیگر مثل استفاده از برق، آب و پروازهای مجانی

همجنس گرایی

پروفسور سناتار که زمانی پزشک ویژه پادشاه سعودی بوده است، در کتابی تحت عنوان «تجارب طیب» از جزئیات پارتی‌های شبانه و مراسم‌های روسپی‌گری شاهدگان سعودی پرده بر می‌دارد. وی می‌گوید یکی از امیرانی که از من خواست تا با او لواط انجام دهم، امیر مقرن بن ملک عبدالعزيز بود. [۲۹] در همین راستا سعود بن عبدالعزيز بن نصیر آل سعود نوه همجنس‌گرای ملک



سعود بن عبدالعزیز بن نصیر آل سعود

سقط جنین

پروفسور سناتار در کتاب خود از برخی جراحی‌های کورتاژ که روی برخی از زنان و دختران «آل سعود» انجام داده است، پرده بر می‌دارد. وی می‌گوید از هر پنج نفر از زنانی که مورد آزمایش قرار می‌گرفتند، در سه نفر از آنان قطراتی از منی مرد بافت می‌شد. وی همچنین اقرار می‌کند که ۹ درصد از شاهدگان زن و زنان «آل سعود» از زمان هشت یا نه سالگی به صورت طبیعی یا از طرق غیرنادر تجربه جنسی داشته‌اند.

شبکه‌های ماهواره‌ای

امیران سعودی چندین کانال ماهواره‌ای معروف را در اختیار دارند که در آن به ترویج فساد و فحشاء و بی‌بندوباری می‌پردازند و این مسأله صدای علمای سعودی را هم در آورده است. از جمله این کانال‌ها می‌توان به «روتانا» که ولید بن طلال میلیارد سعودی مالک آن است و نیز کانال «ام بی سی» اشاره کرد که «ولید بن ابراهیم ال



● علامت چشم نماد فراماسونرها؛ گفته می‌شود کانال ام بی سی در جهت نشر فراماسونری تلاش می‌کند

عبدالله پادشاه عربستان سعودی که به اتهام قتل بندر عبدالله عبدالعزيز در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۰ در هتلی در لندن متهم شده بود، چندی پیش به علت آزار جنسی خدمتکارش و در نهایت قتل بی‌رحمانه وی، از سوی دادگاه کیفری مرکزی لندن گناهکار شناخته شده است.

فهرست منابع:

- [۱] Robert Baer, The Fall of the House of Saud, <http://www.theatlantic.com/the-fall-of-/۰۵/۲۰۰۳/magazine/archive/۳۰۴۲۱۵/the-house-of-saud>
- [2] http://www.ft.com/intl/-11df-a6c7-75aae7ea-cc82/cms/s00144feab49a,Authorised=false.html?_i_2Fwww.%2F%3A%location=http2F75aae7ea-%2F0%2Fs%2Fcms%ft.com00144feab49a.html&_i_-11df-a6c7-cc822Fen.wikipedia.%2F%3A%referer=http2FPolitics_of_Saudi_%2Fwiki%orgArabia
- [۳] <http://sapidnews.com/news/۱۶۱۱=php?id>
- [۴] Jennifer Bond Reed, The Saudi Royal Family, United States of America, ۲۰۰۷, pp1۵
- [۵] همان
- [۶] همان
- [۷] [http://hewaar.khayma.com/](http://hewaar.khayma.com/?t=۱=langid&۶۴۹۵۲=showthread.php?)
- [۸] فهد القحطانی، صراع الأجنحة فی العائلة السعودية دراسة فی النظام السياسي وتأسس الدولة، لندن ۱۹۸۸، الصفا للنشر والتوزیع، ص ۵

ابراهیم» شاهزاده سعودی ریاست آن را برعهده دارد. اخیراً دکتر یوسف احمد از علمای دین سعودی گفته است که خطر این دو میلیارد سعودی کمتر از خطر مروجان مواد مخدر نیست. وی ضمن درخواست برای محاکمه این دو شاهزاده سعودی، گفته است که این شبکه‌ها در جهت غربزده کردن و به فساد کشاندن جامعه و دور راندن آن از شریعت اسلامی عمل می‌کنند. [۳۰]

جمع‌بندی

با نگاهی اجمالی به انقلاب و قیام‌هایی که طی دو سال اخیر در جهان عرب اتفاق افتاده می‌توان به عنصر فساد حاکمان به عنوان یکی از دلایل خیزش مردمی علیه آنان اشاره نمود. در مورد عربستان سعودی این فساد در حیطه‌های مختلف بویژه فساد اخلاقی شیوع و گسترش بیشتری دارد و همین مسأله خشم مردم این کشور را به همراه داشته است و روز به روز بر دامنه اعتراضات و ناراضی‌های مردمی از شیوع فساد خاندان سعودی افزوده می‌شود، بنابراین این احتمال قوت گرفته است که همانگونه که مردم در کشورهای چون مصر، تونس و لیبی چندین حاکم خود کامه و فاسد را سرنگون ساختند، مردم عربستان نیز چنین سرنوشتی را برای خاندان سعودی رقم بزنند.

JohnR.Bradley, P155 [23]
 مملكة الفضايح، ص 155 [24]
 همان، ص 113 [25]
<http://www.seemorgh.com/> [26]
<http://www.148690/2418/entertainment.html> [27]
 مملكة الفضايح، ص 118-119 [27]
<http://sapidnews.com/news.1611=php?id> [28]
 مملكة الفضايح، ص 99 [29]
http://middle_/2009/http://arabic.cnn.com/pprs.ah/index.html/2/3/east [30]

[http://www.independent.ie/opinion/\[9\]editorial/whatever-happens-us-will-221049-still-back-the-house-of-saud.html](http://www.independent.ie/opinion/[9]editorial/whatever-happens-us-will-221049-still-back-the-house-of-saud.html)

[http://www.saeq.net/index.aspx?sitei\[10\]43890=newsvie&32705=pageid&128=d](http://www.saeq.net/index.aspx?sitei[10]43890=newsvie&32705=pageid&128=d)

[11] عبدالرحمن ناصر الشمrani، مملكة الفضايح؛ اسرار قصور الملكية السعودية، بيروت، دار الإنسان، 1988، ص 71

[12] همان، ص 97

<http://sapidnews.com/news.1611=php?id> [13]

[14] مملكة الفضايح، ص 97

[15] همان

[http://www.nedayeenghelab.com/\[16\]vdcip5ap.t1avz2bcct.html](http://www.nedayeenghelab.com/[16]vdcip5ap.t1avz2bcct.html)

JohnR.Bradley, Saudi Arabia [17]

Exposed: Inside a Kingdom in Crisis, p122

[18] همان، ص 128

[19] همان، ص 128

[20] همان، ص 129

[21] مملكة الفضايح، ص 142

[22] مملكة الفضايح، ص مملكة 150

جریان شناسی مخالفان آل سعود

اصولی مخالف نظام سعودی را توصیف کرده و اهداف گوناگون هر یک از این گروه‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

آل سعود از چهار منبع با مخالفت‌های سیاسی روبه‌رو است: فعالان اسلام‌گرای سنی (از میانه‌روها گرفته تا سلفی‌های جهادی)، منتقدان لیبرال، شیعیان (بویژه در استان شرقی)، و مخالفان قبیله‌ای و



منطقه‌ای (به عنوان مثال در حجاز). در مجموع، گروه‌های اسلامی بدنبال آن هستند که زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را منطبق بر آموزه‌های اسلامی کنند در نتیجه بر تحمیل ارزش‌های سلفی بر دولت و مردم تأکید می‌ورزند. لیبرال‌ها خواستار تغییرات در فضای سیاسی و دستگاه قضایی هستند و از دولت می‌خواهند که به حقوق بشر به سبک غربی توجه کرده و به لحاظ سیاسی مجال بیشتری به دیگران داده شود. لیبرال‌ها همچنین اتحاد میان خاندان حاکم و علما را که از قرن هجدهم میلادی وجود داشته، به چالش می‌کشند. شیعیان نیز که در معرض سرکوب و حشيانه، تبعیض و ظلم هم از سوی نظام حاکم و هم از طرف علمای سلفی قرار دارند، خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق خود هستند. و در نهایت قبایل و مناطق متعددی وجود دارند که با حاکمیت نجدی‌ها (که آل سعود نیز از این منطقه برخاسته است) مخالف هستند.

آل سعود از چهار منبع با مخالفت‌های سیاسی روبه‌رو است: فعالان اسلام‌گرای سنی، منتقدان لیبرال، شیعیان، و مخالفان قبیله‌ای و منطقه‌ای.

از زمان شکل‌گیری پادشاهی عربستان سعودی، ترکیب ناهمخوان و از هم گسیخته هویت ملی و ثبات سیاسی آسیب‌پذیر آن همواره چالشی خطرناک در برابر حاکمان این کشور بوده است. خاندان حاکم علی‌رغم صداهای مخالف و ناراضی که نسبت به وضعیت موجود اعتراض دارند، به حیات خود ادامه داده و بصورت ماهرانه‌ای از تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی، فکری، سیاسی، قومی و قبیله‌ای موجود در عربستان به نفع خود بهره‌برداری کرده است. حاکمان سعودی خود را شایسته حکومت و تبعیت به تصویر می‌کشند، زیر از منظر خودشان، تضمین‌کننده وحدت ملی هستند.

هدف نوشتار حاضر آن است که جریان‌ها و بازیگران

وهایی و تفکر اخوانی بود، به گونه‌ای که تفکر وهابی را در زمینه اعتقادی و تفکر اخوانی را در زمینه سیاسی پذیرفت.

ریشه جریان الصحوة به دهه ۱۹۶۰، زمانی که عربستان سعودی شروع به گسترش روابط خود با جهان خارج نمود، برمی‌گردد. در طول این دوره، عربستان مرزهای خود را به روی هزاران پناهنده از مصر، سوریه، عراق و فلسطین که در کشورهای خود تحت فشار قرار داشتند، گشود. بسیاری از این پناهندگان به اخوان المسلمین وابسته بودند، و اینان با خود ایده‌های انقلابی را که عمدتاً از سیدقطب رهبر فکری اخوان الهام گرفته بودند، به عربستان آوردند.

این پناهندگان با توجه به سطح سواد نسبتاً بالایی که

۱- اسلام‌گرایان سنی

فعالان اسلام‌گرا یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه نظام سعودی هستند و در سال‌های اخیر چندین بار دست به خشونت زده و عملیات‌های مسلحانه در کشور انجام داده‌اند. اگرچه اسلام سیاسی به شیوه رایجی برای اعتراض علیه حاکمیت دولت‌ها در تاریخ معاصر خاورمیانه تبدیل شده است، در نمونه عربستان سعودی این مسأله گویای نوعی پارادوکس است. اعتراضات و تظاهرات از سوی گروه‌های اسلامی داخلی علیه رژیم صورت می‌گیرد که بر بنیادهای اسلامی بنا نهاده شده است و طبق تفسیر خودشان، قوانین و سیاست‌ها در انطباق کامل با شریعت اسلامی قرار دارد و این قوانین در تمامی حوزه‌های زندگی و مسائل سیاسی اجرا می‌شود. فعالان سیاسی

سنی شامل بازیگران مسالمت‌جو و خشونت‌طلب می‌باشند و به ترتیب به دو جریان عمده الصحوه و سلفیه جهادی تقسیم می‌شوند:

۱-۱- جریان بیداری اسلامی (الصحوة الإسلامية)

در دهه هشتاد و تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران، یک جریان فکری سعودی از درون منظومه دینی سلفی ظهور کرد که دنبال سازش میان تفکر



● ● سفر الحوالی

● ● سلمان العوده

کرد، به سمت رادیکالیزه شدن حرکت کرد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، لیبرال‌ها اعضای الصحوة را به دلیل سوء استفاده از اسلام، رادیکالیزه کردن جوانان سعودی و ایجاد بستری مناسب برای رشد ایدئولوژی جهادی سرزنش کردند.

۱-۲- ایدئولوژی‌های جهادی

عربستان سعودی همچنین با چالش مخالفان اسلام‌گرای بین‌المللی روبه‌رو بوده و هست. سلفی‌های جهادی با «اسامه بن لادن» و هزاران مبارز جهادی عربستانی که از جنگ افغانستان بر می‌گشتند، همکاری کردند. اینان از اینکه نظام سعودی را کافر و رهبران آن را ملحد بدانند،

داشتند، حداقل در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت یک نعمت برای سعودی‌ها محسوب می‌شدند. این هنگامی بود که عربستان نیاز مبرمی به معلم داشت و نرخ بی‌سوادی به ۸۵ درصد رسیده بود، لذا اینان به سرعت موقعیت‌های حساس اداری و آموزشی را به اشغال درآوردند. رژیم سعودی همچنین به تفکر اسلام سیاسی اخوان المسلمین به عنوان ابزاری سودمند در درگیری ایدئولوژیکی خود با ایدئولوژی رایج و پرنفوذ آن زمان یعنی ناصریسم و بعثیسم متوسل شد. اسلام‌گرایان سعودی که بخشی از جنبش الصحوة بودند، آموزه‌های سنتی سلفی را با دیدگاه‌های مدرن و جدید اخوان المسلمین تلفیق کردند. اولین چالش اسلام‌گرایان میانه‌رو به سال ۱۹۹۱ پس از جنگ خلیج فارس بر می‌گردد که اینان بیانیه‌ای به ملک

فهد نوشته و خواستار پیاده شدن سفت و سخت‌تر ارزش‌های اسلامی در جامعه شدند. این جنبش در سال ۱۹۹۴ هنگامی که رژیم دو تن از روحانیون برجسته جنبش یعنی «سفر الحوالی» و «سلیمان العوده» را دستگیر



● رهبران سازمان القاعده جزیره العرب، به ترتیب از راست به چپ: محمد العوفی و ناصر الوحیشتی و سعید الشهیری و قاسم الریمی

برای تعداد زیادی از چهره‌های لیبرالی بوده است. امروزه یک گروه نسبتاً بزرگ از لیبرال‌های اصلاح‌طلب در این کشور وجود دارند که اغلب آنان در غرب تحصیل کرده و متشکل از روشنفکران و سرمایه‌داران و رهبران میانه‌رو مذهبی می‌باشند.

جریان لیبرال را می‌توان به دو طیف تقسیم کرد: یک طیف بر اصلاحات اجتماعی و مذهبی و طیف دیگر بر ضرورت انجام اصلاحات سیاسی تاکید می‌ورزد. طیف اول متشکل از اصلاح‌طلبانی است که عمدتاً محافظه‌کاری و سنت‌گرایی مذهبی و اجتماعی عربستان سعودی را به باد انتقاد می‌گیرد. به نظر اینان، اصلاحات سیاسی بدون مدرنیزاسیون شرایط مذهبی و اجتماعی ناممکن است. طیف دوم متشکل از اصلاح‌طلبانی است که عمدتاً بر تغییر شرایط سیاسی کشور اصرار می‌ورزند. بسیاری از اعضای این گروه علناً ایده تاسیس پادشاهی مشروطه را در کنار پارلمان منتخب و ایجاد سازمانی مستقل برای حمایت از حقوق بشر را ترویج می‌کنند. بسیاری از اعضای این گروه - مثلاً دو تن از چهره‌های برجسته جریان یعنی «عبدالله حامد» و «عبدالعزیز قاسم» - عمدتاً در گذشته عضو جریان الصحوة بوده‌اند.

جریان لیبرال سعودی دچار چالش‌های فراوانی است، زیرا این جریان برخلاف بسیاری از جریان‌های لیبرال در سایر کشورها که عمدتاً از کمک‌های مادی و معنوی غرب برخوردارند، معمولاً از کمک‌های مادی خارجی محروم

تردیدی به خود راه نمی‌دهند. همچنین مشروعیت دولت سعودی را به چالش کشانده و عملکرد رهبران سعودی را به باد انتقاد می‌گیرند - مثلاً وابستگی مقامات سعودی به غرب و در رأس آن آمریکا را نمی‌پذیرند - هم تفسیر طرفداران الصحوة و هم تفسیر جهادی‌ها از اسلام کاملاً در چارچوب گفتمان سلفی جای می‌گیرد اما اندیشه جهادی بر سه موضوع تاکید ویژه‌ای دارد: مخالفت سازش‌ناپذیر با نظام سعودی، اعتقاد راسخ به مقاومت مسلحانه علیه غرب، تاکید بر جهاد به عنوان وسیله و هدف.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، روابط میان طرفداران الصحوة و جهادی‌ها تیره شد. در طول دهه ۹۰، در بسیاری از مواقع رهبران الصحوة برای جهادی‌ها الهام‌بخش بودند اما پس از آنکه جنبش الصحوة از نظام حمایت کرد، جهادی‌ها این گروه را مزدور و نوکر نظام معرفی کرده و از آنان فاصله گرفتند.

این نسل جدید جهادی‌ها با دستورات رهبران القاعده برای حمله به اهداف آمریکایی به عربستان برگشتند و سازمان «القاعده جزیره العرب» را تاسیس نمودند. این گروه تاکنون چندین بار به اهداف آمریکایی در عربستان و بویژه یمن حمله کرده و مسئولیت حمله اخیر به سفارت آمریکا در بنغازی را نیز برعهده گرفته است.

۲- لیبرال‌ها

بر خلاف باور رایج، عربستان سعودی همواره پاتوقی



خاندان سعودی دارند، شیعیان هستند. طبق آمار غیر رسمی، شیعیان ۵ تا ۱۰ درصد از جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند (البته طبق آمار خود شیعیان ۲۰ درصد) و اغلب آنان در استان شرقی زندگی می‌کنند. عمده منابع نفتی عربستان در این استان قرار دارد و حدود ۹۰ درصد از درآمدهای دولت از منطقه شرقی تأمین می‌شود، با این وجود این منطقه یکی از فقیرترین بخش‌های کشور است. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شیعیان با زبان نظامی سخن گفته و خواستار انقلاب بودند اما در دهه ۱۹۹۰ آن‌ها خواستار دموکراسی، کثرت‌گرایی سیاسی و حقوق برابر شدند. به نظر می‌رسد اکنون پس از بیداری اسلامی و سرنوشتی چندین دیکتاتور خودکامه و مستبد در جهان عرب، شیعیان بار دیگر به خواسته براندازی نظام حاکم سعودی بازگشته‌اند. شیعیان عربستان پس از انقلاب اسلامی ایران انرژی قابل توجهی کسب کردند. انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش شیعیان عربستان بوده است، به گونه‌ای که در همان سال وقوع انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ دست به قیام زدند که در میان فعالان شیعه به انتفاضه استان شرقی شناخته می‌شود.

در سال ۱۹۷۹ تحت تأثیر انقلاب اسلامی، شیعیان عربستان «سازمان انقلاب اسلامی» را تأسیس نمودند. این جنبش بعدها نام خود را به «حرکه الاصلاحیه» (جنبش اصلاح طلب) تغییر داد که «شیخ حسن صفار» از جمله برجسته‌ترین رهبران آن است. وی انقلابی‌گری و عمل‌گرایی را در هم آمیخت و خواستار تسامح، تساهل، جامعه مدنی و نظام سیاسی مبتنی بر

است. در نتیجه این گروه بصورت عمده برای اجرای برنامه‌های اصلاح طلبانه خود به خاندان حاکم سعودی وابسته است. رژیم نیز بعید به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک ائتلاف سنتی خود با سلفیه رسمی را بر هم زده و از جریان لیبرال حمایت کند. در حقیقت رژیم سعودی نمونه نظامی است که از اصلاحات بصورت ماهرانه تنها برای تقویت قدرت خود سود می‌برد و اصلاحات هدف واقعی آن نیست.

این جریان برای پیشبرد اهداف خود از مطبوعات و کرسی‌های دانشگاهی استفاده کرده و عمدتاً بر نخبگان و گروه‌های تحصیل کرده متمرکز است. در مجموع می‌توان گفت اینان فاقد تأثیر کافی هستند. از جمله اعضای برجسته این گروه می‌توان به ترکی الحمد و عثمان العمیر، شیخ طلال محمد رشید و خانم مضای رشید اشاره نمود.

۳- شیعیان

دیگر گروه مهم که بیشترین پتانسیل را برای مخالفت با

می‌بخشد و در عین حال اینان خود را نسبت به آل سعود که از یک روستای دورافتاده در نجد به نام «درعیه» برخاسته و دولت را در اختیار گرفته‌اند، برای حکمرانی و نمایندگی اسلام محق‌تر و اولی‌تر می‌دانند. حجازی‌ها با دولت سعودی که روایت‌های جعلی از تاریخ جزیره عربی ارائه می‌دهد، مخالفت می‌کنند.

نخبگان حجازی به تغییر نظام موجود و رها شدن از دولت سعودی - نجدی تمایل دارند و آن‌ها منتظر فرصتی مناسبی هستند تا دولت حجازی مصادره شده را باز پس گیرند. ملک فهد اندک مشتری‌کاتی که میان نجدی‌ها و حجازی‌ها باقی مانده بود، ویران کرد و امروزه دیگر نخبگان حجازی از اصلاح نظام ناامید شده‌اند. پس از حوادث ۲۰۰۱ درخواست جدایی طلبی از مناطق مختلف عربستان شنیده شد و منطقه حجاز نیز از این قاعده مستثنی نبود اما نظام توانست برخی از سران قبایل را بخرد و آن‌ها را با خود همراه سازد. در طول دهه‌های گذشته، برخی حرکت‌های خشونت‌طلبانه در حجاز علیه نظام سعودی رخ داده است اما عمدتاً از طرف قبایل حجاز بوده‌اند نه مراکز شهری و مدنی و این را به عنوان مثال می‌توان در قیام قبیله «بلی» مشاهده کرد. و یا برای اولین بار یکی از خلبانان حجازی به نام «عبدالله مندیلی» در دهه چهل میلادی خیمه ملک عبدالعزیز را با هدف کشتن وی بمباران کرد و یا گفته شده است که افسران حجازی چندین بار برای انجام کودتا در نیروهای مسلح برنامه‌ریزی کرده و در معروف‌ترین کودتای نظامی در سال ۱۹۶۹ مشارکت

انتخابات آزاد و آزادی بیان شد. نمایندگان این جنبش موفق شدند، در سال ۲۰۰۵ کرسی‌هایی را در شوراهای شهرها و شهرک‌های منطقه شیعه نشین شرق عربستان بدست آورند. از دیگر سازمان‌های شیعی باید از «حزب‌الله حجاز» یاد کرد که در سال ۱۹۸۷ بدست روحانیون شیعی پیرو خط امام (ره) تاسیس شد. این جنبش همچنین به اصل ولایت فقیه با مرجعیت «آیت الله خامنه‌ای» (مدظله) اعتقاد دارد. گفته می‌شود این جنبش در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ دو حمله به خطوط انتقال نفت عربستان انجام داده و در حمله به دیپلمات‌های سعودی در شهرهای آنکارا، بانکوک و کراچی دست داشته است.

علاوه بر این دو گروه اصلی، گروه‌های کوچک‌تر دیگری نیز وجود دارند که با تردید به نظام سعودی نگاه کرده و حاضر نیستند این رژیم را به رسمیت بشناسند چون معتقدند نظام سعودی به همراه علمای تندروی و‌هایی نشان داده است که حاضر نیست از دیکتاتوری، فساد و طغیان و نیز تبعیض و تندروی علیه شیعیان دست بکشد.

۴- مخالفان منطقه‌ای و قبیله‌ای

بزرگ‌ترین تنش منطقه‌ای بطور سنتی میان مناطق نجد و حجاز وجود داشته است. مردم حجاز که به اماکن مقدس مکه و مدینه تعلق دارند، در مقایسه با سایر مناطق شبه جزیره عربستان از هویت منسجم و یکپارچه تری برخوردار هستند. اصالت، قدمت و تقدس حجاز نوعی حس برتری به مردم این منطقه



مقابله با صدهای منتقد که مشروعیت نظام حاکم را زیر سوال می‌برند، استفاده کرده است:

۱- از علمای رسمی سلفی

برای مشروعیت‌زدایی از گروه‌های مخالف بهره برده و این علمای درباری با صدور فتاوا هرگونه تظاهرات و مخالفتی را مخالفت با اسلام دانسته‌اند. البته اعتبار این رجال دینی کاسته شده است.

۲- از منابع مالی برای کاستن از تاثیر برخی صدهای مخالف در داخل و خارج از عربستان (مثلا خرید برخی رسانه‌های خارجی) استفاده کرده و بویژه از این حربه در مناطق قبیله‌ای کمک گرفته است.

۳- با دستگاه‌های امنیتی و نظامی خود و با توسل به عملیات‌های امنیتی پیشگیرانه و از طریق بازداشت و فشارهای روانی و رسانه‌ای و سرکوب، گروه‌های مخالف را مهار کرده و بسیاری از تظاهرات‌ها را در نطفه خفه کرده است.

در پایان با توجه به وضعیت کنونی خاورمیانه و بیداری ملت‌های عربی، بعید به نظر می‌رسد اوضاع در عربستان به همین متوال پیش برود لذا احتمال آن می‌رود که نظام حاکم در عربستان تاب تحمل در برابر مخالفت‌های مردمی را نداشته و در کوتاه مدت مجبور به انجام اصلاحات بیشتر و گسترده‌تر و یاد درازمدت ناگزیر از ترک قدرت شود.

کرده‌اند.

علاوه بر مخالفت‌های منطقه‌ای، مخالفت دیگری که متوجه نظام سعودی است، از سوی قبایل است. هرچند که اپوزیسیون امروزه در عربستان سعودی عمدتاً بر بنیادهای اسلامی سازماندهی می‌شود، اما عصبیت قبیله‌ای برای چندین قرن متوالی در این کشور حاکم بوده و این عصبیت هنوز نیز در میان قبایل به قوت خود باقی است. فرد قبیله بیش از آنکه به دولت وفادار باشد، به قبیله خود وفادار است.

برخی از قبایل بزرگ عربستان مانند «شمر» تاریخ طولانی از خصومت با خاندان حاکم دارند و آل سعود با توسل زور و شمشیر توانسته‌اند این قبایل را تحت سیطره خود در آورده‌اند و خصومت‌ها و کینه‌توزی‌های گذشته میان این قبایل و آل سعود هنوز از بین نرفته است. امروزه رهبران قبایل کارمندان رسمی وزارت کشور هستند و مسئولیت حل و فصل مشکلات قبایل خود به عهده آنان گذاشته است و نظام سعودی زیاد خود را با قبایل درگیر نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

خاندان حاکم سعودی از روش‌های گوناگونی برای

www.Didban.ir

www.didban.ir

| www.didban.ir